

۲۹۸۹

۳۵۸۲

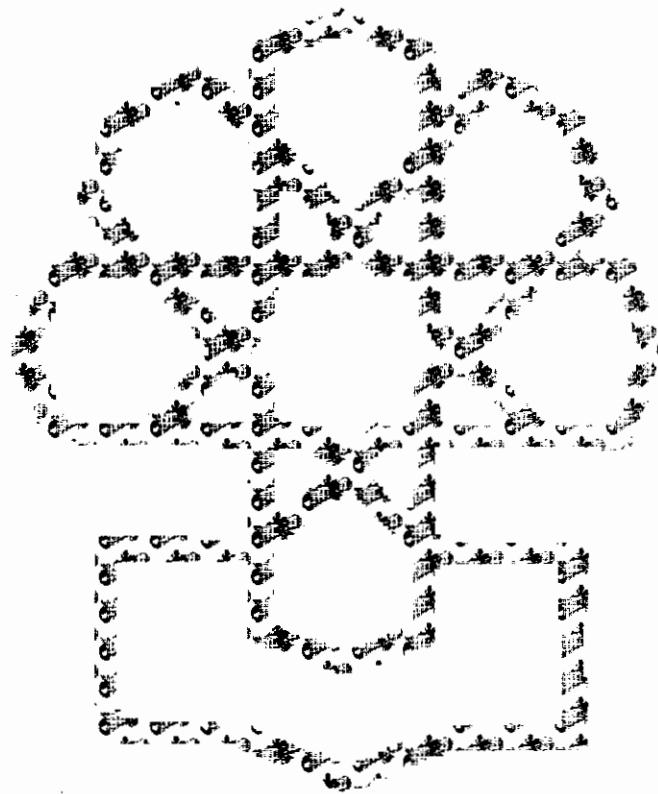
۹

X



# یارانه‌ها در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸

درباره لایحه بودجه ۷۸ - شماره (۲۴)



معاونت پژوهشی

آذر ۱۳۷۷

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی

کد گزارش: ۱۶۰۲۰۸۲

شماره: ۱۰۱۴۱  
روز / تاریخ: ۱۰ / ۲۱

۳۵۸۲

بسمه تعالی

یارانه‌ها در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸  
در باره لایحه بودجه ۷۸ - شماره (۲۴)

کد گزارش: ۱۶۰۴۰۸۲

### فهرست مطالب

۲	نکات برجسته .....
۴	۱- مقدمه .....
۵	۲- یارانه در قوانین بودجه سال‌های قبل و لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ .....
۶	۳- بررسی توزیع یارانه‌های آشکار و پنهان در بین گروه‌های مختلف درآمدی .....
۶	الف- تعیین گروه‌های درآمدی با استفاده از دهک بندی جمعیت در خانوارهای نمونه .....
۷	ب- سهم ساکنان مناطق شهری و ساکنان مناطق روستایی از جمعیت هر دهک .....
۷	ج- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه چندکالای اساسی .....
۷	ج- ۱- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه بنزین مصرف شده توسط خانوارها .....
۸	ج- ۲- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه نفت مصرف شده توسط خانوارها .....
۸	ج- ۳- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه آب مصرف شده توسط خانوارها .....
۸	ج- ۴- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه برق مصرف شده توسط خانوارها .....
۹	ج- ۵- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه گاز مصرف شده توسط خانوارها .....
۹	ج- ۶- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه برنج مصرف شده توسط خانوارها .....
۱۰	ج- ۷- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه نان مصرف شده توسط خانوارها .....
۱۱	ج- ۸- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه شیر مصرف شده توسط خانوارها .....
۱۱	ج- ۹- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه گوشت مصرف شده توسط خانوارها .....
۱۲	ج- ۱۰- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه مرغ مصرف شده توسط خانوارها .....
۱۲	د- محاسبه ضریب جینی برای اقلام مورد بررسی .....

\* عمده‌ترین یارانه آشکار در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸، یارانه کالاهای اساسی موضوع تبصره ۵ لایحه بودجه می‌باشد که به صورت غیرکارآمد و بعضاً غیرهدفمند تخصیص داده می‌شود. اصولاً این سیستم یارانه که از دوران جنگ به یادگار باقی مانده، قابل تداوم برای همیشه نیست. هدفمند نمودن این یارانه‌ها یا حذف آن پس از اطمینان از پوشش کافی تأمین اجتماعی، تنها راه‌کاری است که در مقابل دولت قرار دارد.

\* پرداخت یارانه‌های پنهان توسط دولت نیز که در گذشته به منظور حمایت از گروه‌های کم درآمد و جلوگیری از کاهش قدرت خرید آنها صورت گرفته، به شیوه‌ای کاملاً غیرمؤثر و ناعادلانه بین گروه‌های درآمدی مختلف توزیع شده است. نتایج حاصله از مطالعه نمونه‌گیری‌های بودجه خانوار در سال ۱۳۷۵ حاکی از آن است که:

- ۱- از کل بنزین مصرف شده توسط خانوارهای شهری و روستایی کشور ۱/۳ درصد آن را کم درآمدترین افراد (دهک اول) و ۴۱/۸ درصد آن را پردرآمدترین افراد (دهک آخر) جامعه مصرف کرده‌اند. به عبارت دیگر مصرف بنزین افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۳۲ برابر مصرف افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی قرار دارند.
- ۲- از کل نفت مصرف شده توسط خانوارهای شهری و روستایی کشور ۴/۴ درصد آن را کم درآمدترین افراد و ۱۳/۸ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه مصرف کرده‌اند. لذا توزیع یارانه مصرف نفت بسیار عادلانه‌تر از توزیع یارانه مصرف بنزین می‌باشد.
- ۳- از کل هزینه آب مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور ۱/۹ درصد آن را کم درآمدترین افراد و ۲۴/۹ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند، به علاوه سهم هزینه‌های برق برای دو گروه درآمد مذکور ۲/۵ و ۲۶/۵ درصد و در مورد گاز به ترتیب ۲/۷ و ۲۴/۴ درصد می‌باشد. شایان ذکر است که در مقایسه با بنزین، توزیع یارانه آب، برق و گاز متعادل‌تر است. زیرا هم هزینه اقدام مذکور در گروه‌های مختلف درآمدی از توزیع متعادل‌تری برخوردار است و هم قیمت آن برای سطوح بالاتر افزایش می‌یابد.
- ۴- از کل هزینه نان مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور ۶/۲ درصد آن را کم درآمدترین افراد و ۱۲/۵ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند. هزینه بالاتر نان در گروه‌های پردرآمدتر ناشی از ضایعات بیشتر نان در میان گروه‌های پردرآمد است.
- ۵- از آنجایی که بخشی از نهاده‌های مورد استفاده در تولید مرغ و گوشت نیز ممکن است با یارانه همراه باشند لذا گروه‌های پردرآمد که مرغ و گوشت بیشتری مصرف می‌کنند به طور

غیرمستقیم باز هم از یارانه‌های دولت بیشتر از افراد کم درآمد بهره‌مند می‌شوند.  
\* در مجموع ساختار سیستم یارانه‌ای کشور مناسب نبوده و در بسیاری از موارد اختلال در تخصیص منابع را نیز به همراه دارد. حرکت در جهت هدفمند کردن و حذف نوبتی این یارانه‌ها می‌تواند یکی از ساز و کارهای بهبود توزیع درآمد و حمایت مؤثر از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه تلقی شود.

یارانه‌ها (سوبسیدها) در مجموعه برنامه‌های حمایتی دولت یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی تلقی شده و از نقطه نظر اقتصادی یکی از عمده‌ترین هزینه‌های غیرکارآمد محسوب می‌گردد. یارانه‌های منظور در بودجه دولت از دیدگاه اقتصادی به دو گروه یارانه به کالاها و خدمات مصرفی و یارانه به نهاده‌ها قابل تفکیک است، که در هر مورد می‌توانند یارانه‌ها باز یا به صورت سهمیه‌بندی صورت بگیرند. معمولاً هدف از یارانه کالاها و خدمات مصرفی کاهش فقر و بهبود در توزیع درآمد است که اگر به صورت کارآمد صورت گیرند کاملاً قابل توجیه می‌باشد. ولی یارانه نهاده‌های تولیدی توجیه کلی و عمومی نداشته و در موارد خاص قابل دفاع می‌باشند. مثل حمایت از یک صنعت برای عبور از مراحل اولیه تولید و رسیدن به شرایطی که توان رقابت در بازارهای داخلی یا خارج را داشته باشند، یا به صورت خیلی محدود برای صنایع تولیدکننده کالاها استراتژیک.

به طور کلی یارانه شامل پرداخت‌هایی است که از خزانه صورت می‌گیرد یا درآمدهایی است که می‌باید به خزانه واریز شوند ولی برای اهداف فوق (کاهش فقر، بهبود در توزیع درآمد یا نهاده‌ها جهت عبور از نوزادی یا توان رقابت در خارج) هزینه می‌شوند. در نتیجه اگر دولت، کالاها و منابع در اختیار یا تحت کنترل خود را در قیمتی ارزان‌تر از هزینه فرصت آن یا قیمت واقعی در بازار به مصرف‌کنندگان یا تولیدکنندگان عرضه نماید، تفاوت قیمت دولتی یا قیمت کنترل شده و هزینه فرصت یا قیمت بازار یارانه محسوب می‌شود، مثل بنزین، برق، ارز و غیره. معمولاً آنچه که در اصطلاح یارانه پنهان خوانده می‌شوند، از این جمله هستند، پنهان بودن این یارانه‌ها به علت عدم شفافیت آنها در بودجه سالیانه است.

نکته دیگر در زمینه یارانه‌ها، روش و نحوه انتقال آن است که می‌تواند هدفمند یا غیرهدفمند بوده و همچنین به صورت جنسی یا نقدی باشند. عمدتاً اگر انتقال یارانه‌ای بر اساس شناسایی به گروه نیازمند (عمدتاً در مورد یارانه کالاها و خدمات مصرفی مطرح است) صورت گیرد، یارانه هدفمند تلقی می‌شود. در موارد نادری برای بعضی از کالاها یارانه باز و شناسایی نشده نیز می‌تواند هدفمند تلقی شود. مثلاً در جوامع شهری که خانوارهای متوسط به بالا برای کسب انرژی از گاز یا گازوئیل استفاده می‌کنند، یارانه برای مصرف نفت (نه فروش حجیم) می‌تواند تا حد زیادی هدفمند باشد. چون عمدتاً خانوارهای فقیر هستند که برای ایجاد گرما و پخت و پز از نفت استفاده می‌کنند. در مقابل بعضی دیگر از کالاها هستند که چون بیشتر به وسیله خانوارهای ثروتمند به طور مستقیم مصرف می‌شوند، در صورت برخورداری از یارانه فایده آن عمدتاً متوجه این خانوارها می‌شود، مثل بنزین و الکتروسیته.

این مهم که یارانه به صورت جنسی باشد یا نقدی، بستگی به نکات عمده‌ای دارد از جمله شرایط تورمی جامعه، وجود فواید اجتماعی در مصرف کالا و هزینه‌های انتقال. در نتیجه اگر هدف فقط بهبود در توزیع درآمد است و تورم بالایی وجود نداشته باشد بهتر است نقدی باشد. اما اگر ضرورت برای مصرف کالا یا خدمتی مطرح باشد (مثل بهداشت، آموزش یا بسته خاصی از کالاها مغذی خوراکی) مناسب است انتقال جنسی انجام پذیرد.

## ۲- یارانه در قوانین بودجه سال‌های قبل و لایحه بودجه سال ۱۳۷۸

با توجه به نکات فوق در برنامه‌های بودجه ایران تقریباً همه‌گونه یارانه وجود دارد و روش اجرای عمده آنها نیز غیرکارآمد و بعضاً غیرهدفمند است. در زیر به اختصار به مهم‌ترین موارد این یارانه‌ها اشاره می‌کنیم:

معروف‌ترین اما نه عمده‌ترین یارانه در بودجه ایران یارانه کالاهای اساسی موضوع تبصره ۵ لایحه بودجه می‌باشد. این یارانه‌های غیرهدفمند ولی غیرباز (یعنی سهمیه‌بندی شده) شامل تعدادی از کالاهای خوراکی می‌شود که در طی سال‌های اخیر هر چند ارزش اسمی کل یا گاه حتی ارزش اسمی سرانه آن افزایش یافته ولی ارزش واقعی آن (عمدتاً به خاطر تورم) کاهش داشته است. ارقام قطعی یارانه کالاهای مصرفی اساسی برای چند سال گذشته و رقم تخمینی آن بر اساس عملکرد ۸ ماهه سال ۱۳۷۷ به صورت زیر است:

۱۳۷۵	۱۳۷۶	۸ ماهه ۱۳۷۷	تخمین ۱۳۷۷	لایحه ۱۳۷۸
۵۱۱۴	۴۵۶۴	۳۸۰۶/۳	۴۲۲۵	۷۰۰۰
۱۳۴۵/۳	۱۰۲۳/۵	-	-	-

مأخذ: قوانین بودجه سنوات گذشته و لایحه بودجه ۱۳۷۸.

\* رقم تخمینی بر اساس انتقال رشد یارانه ۸ ماهه سال ۱۳۷۶ و رقم قطعی آن به رقم عملکرد ۸ ماهه سال ۱۳۷۷ به دست آمده است.  
\* ارقام به میلیارد ریال

مشاهده می‌شود که از سال ۱۳۷۵ مبلغ ریالی یارانه کالاهای اساسی موضوع تبصره ۵ در حال کاهش است، اگر هزینه واقعی (با در نظر گرفتن نرخ تورم) را مورد نظر قرار بدهیم این کاهش شدیدتر نیز خواهد شد (یارانه واقعی به قیمت سال ۱۳۷۰) و بالاخره اگر با توجه به رشد جمعیت ارقام را سرانه بکنیم انتظار کاهش بیشتری در یارانه کالاهای اساسی باید داشته باشیم.

روشن است که با توجه به محدودیت بودجه در سال‌های اخیر و تورم دولت قادر نخواهد بود که تعهدات یارانه‌ای خود را حتی ثابت نگاه دارد، اصولاً این سیستم یارانه که از دوران جنگ به یادگار باقی مانده قابل تداوم برای همیشه نیست. هدفمند نمودن این یارانه‌ها یا پس از اطمینان از پوشش کافی تأمین اجتماعی حذف آن، تنها راهکاری است که در مقابل دولت قرار دارد. هرگونه تأخیر در طراحی و اجرای این مهم هزینه‌ای را برای جامعه و دولت به همراه خواهد داشت.

در واقع آنچه که به مصرف‌کنندگان جامعه نسبت داده می‌شود، نه مصرف بیشتر از نیاز کالاهای خوراکی، مسکن، پوشاک، لوازم منزل و غیره است، بلکه مصرف بیشتر از حد کارآمد یا نیاز انرژی‌ها مثل برق، گاز و تیل، گاز، بنزین و غیره است که با توجه به یارانه دولت در قیمت‌های کمتر از هزینه فرصت در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرند. از همه مهمتر این که یارانه‌های فوق کاملاً باز بوده و حتی مشابه یارانه کالاهای اساسی خوراکی، سهمیه‌بندی نشده‌اند.

مجدداً طراحی یک سیستم تأمین اجتماعی یا چتر حمایتی مناسب امکان حذف یارانه‌های فوق را فراهم می‌کند. در زمینه برق و آب و کالاهای مشابه دیگر که به کالاهای باشگاهی شهرت دارند، امکان اجرای قیمت‌های تبعیضانه به صورتی که هزینه را برای گروه‌های فقیر کاهش داده و عمدتاً هزینه تولید از اقشار پردرآمدتر حاصل شود، وجود دارد. در حال حاضر نیز به صورت کلی تا حدودی از این روش‌ها استفاده

می شود.

موارد دیگر یارانه‌ها مثل یارانه ارزی و مشتقات نفتی نیز باید با فراهم نمودن شرایط اولیه (مثل مجهز نمودن ناوگان حمل و نقل درون شهری) اقدام به حذف آنها بشود. حذف یارانه ارزی حتی برای واردات کالاها به وسیله دولت نیز چون قیمت واقعی آنها را آشکار و شفاف می‌کند مناسب است، در این شرایط دولت می‌تواند یارانه چنین کالاها را (اگر ضرورت دارد) مستقیم و آشکار نماید. در مجموع ساختار سیستم یارانه‌ای کشور مناسب نبوده و عملاً هزینه بسیار زیادی بر دوش دولت قرار گرفته است که در بسیاری از موارد اختلال در تخصیص منابع را نیز به همراه دارد. حرکت در جهت هدفمند نمودن و حذف نوبتی این یارانه‌ها می‌تواند یکی از ساز و کارهای بهبود ساختار دولت تلقی شود.

### ۳- بررسی توزیع یارانه‌های آشکار و پنهان از بین گروه‌های مختلف درآمدی

در کشور ما دولت، تحت عنوان حمایت از گروه‌های کم درآمد و جلوگیری از کاهش قدرت خرید آنها، قیمت برخی از کالاها و خدمات را از طریق پرداخت یارانه‌های آشکار و پنهان کنترل می‌کند. در این مقاله با استفاده از اطلاعات بودجه خانوارهای شهری و روستایی کشور که در سال ۱۳۷۵ توسط مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده، میزان برخورداری گروه‌های مختلف درآمدی از کالاها و خدماتی که دولت به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آنها یارانه پرداخت می‌کند مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که در این مقاله برخلاف روش‌های مرسوم که گروه‌های درآمدی را برحسب دهک‌بندی خانوار طبقه‌بندی می‌کند گروه‌های درآمدی برحسب دهک‌بندی جمعیت طبقه‌بندی شده تا تفاوت بعد خانوار باعث ایجاد ارب در نتایج حاصله نشود. کالاها و خدماتی که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرند عبارتند از: بنزین، نفت، آب، برق، گاز، برنج، نان، شیر، گوشت و مرغ.

#### الف- تعیین گروه‌های درآمدی با استفاده از دهک‌بندی جمعیت در خانوارهای نمونه

تاکنون در مطالعاتی که پیرامون بودجه خانوار در کشور ما صورت گرفته خانوارهای نمونه بر حسب هزینه‌های مصرفی خانوار مرتب شده و سپس کل خانوارها به ۱۰ گروه متساوی تقسیم شده‌اند. نظر به اینکه معمولاً خانوارهای کم درآمد دارای بعد خانوار بالاتری هستند، این روش طبقه‌بندی به خوبی توزیع امکانات و درآمد را در بین جمعیت منعکس نمی‌کند و اختلاف‌های موجود بین گروه‌های مختلف درآمدی را کمتر از حد واقعی آن برآورد می‌کند. در این بررسی برای اولین بار در ایران با استفاده از اطلاعات خام بودجه خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۷۵ ابتدا خانوارهای نمونه بر حسب هزینه‌های مصرف خانوار طبقه‌بندی شده و سپس با توجه به جمعیت هر یک از خانوارهای نمونه، طبقه‌بندی خانوارها به گونه‌ای صورت گرفته که در هر گروه به جای تعداد خانوار مساوی، تعداد افراد مساوی باشد، نتیجه این طبقه‌بندی در جدول شماره ۱ منعکس شده است.

ارقام مندرج در جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱ نشان می‌دهند که در تمام گروه‌های هزینه‌ای (که از این به بعد با نام گروه‌های درآمدی از آنها یاد می‌کنیم) تعداد جمعیت برابر ۱۱۳۰۰ نفر است، اما تعداد خانوارها کاملاً متفاوت است. این تفاوت به دلیل تفاوت بعد خانوار در میان گروه‌های پردرآمد و گروه‌های

کم درآمد به وجود می آید.

### ب- سهم ساکنان مناطق شهری و ساکنان مناطق روستایی از جمعیت هر دهک

در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۲ سهم ساکنان مناطق شهری و ساکنان مناطق روستایی از جمعیت هر دهک مشخص شده است. به طوری که نمودار و جدول مذکور نشان می دهند در پایین ترین گروه درآمدی ۱۰/۳ درصد افراد و در بالاترین گروه درآمدی ۸۰/۷ درصد افراد شهری هستند.

جدول و نمودار مذکور در واقع توزیع بسیار نابرابر درآمد را در میان شهر و روستا نشان می دهند، زیرا هرچه سطح درآمد در جدول شماره ۱ بالاتر می رود سهم شهرنشینان از جمعیت بیشتر شده و سهم روستاییان کاهش می یابد.

افزایش سهم شهرنشینان در دهک های بالاتر درآمدی نشان می دهد که سیاست های دولت در مورد ایجاد عدالت اجتماعی و بهبود توزیع درآمد باید بیشتر به سمت حمایت از روستاییان گرایش داشته باشد. در بخش های بعدی ملاحظه خواهید کرد که متأسفانه افراد پردرآمد شهرنشین به طور متوسط از سوبسیدهای آشکار و پنهان دولت بیشتر استفاده می کنند.

### ج- سهم گروه های مختلف درآمدی در کل هزینه چند کالای اساسی

#### ج-۱- سهم گروه های مختلف درآمدی در کل هزینه بنزین مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۳ و جدول شماره ۳ توزیع هزینه بنزین مصرف شده توسط خانوارهای نمونه را در سال ۱۳۷۵ برحسب گروه های مختلف درآمدی نشان می دهند. شایان ذکر است که توزیع هزینه بنزین به دلیل ثابت بودن قیمت آن برای تمام سطوح مصرف با توزیع مصرف آن مشابه است. از این رو در بررسی حاضر از توزیع هزینه با نام توزیع مصرف یاد می کنیم (از این قاعده در تحلیل های بعدی نیز استفاده خواهیم کرد). بنابراین ارقام مندرج در جدول شماره ۳ نشان می دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل بنزین مصرف شده توسط خانوارهای شهری و روستایی کشور ۱/۳ درصد آن را کم درآمدترین افراد و ۴۱/۸ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه مصرف کرده اند (توجه داشته باشید که تنها بخشی از تولید بنزین توسط خانوارها مصرف می شود). به عبارت دیگر مصرف بنزین افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۳۲ برابر مصرف افرادی است که در پایین ترین گروه درآمدی قرار دارند. به عبارت دیگر این ارقام نشان می دهند که در سال ۱۳۷۵ دولت در مقابل هر یک تومان یارانه ای که از طریق توزیع بنزین به کم درآمدترین افراد جامعه پرداخته، ۳۲ تومان یارانه به پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده است. از زاویه دیگر اگر بنزین را ثروت ملی بدانیم پردرآمدترین افراد جامعه ۳۲ برابر کم درآمدترین افراد جامعه از این ثروت ملی بهره می برند. ارقام مندرج در جدول شماره ۳ همچنین نشان می دهند که سه گروه بالای درآمدی ۷۰/۱ درصد و سه گروه پایین درآمدی ۶/۶ درصد از بنزین مصرف شده توسط خانوارها را به خود اختصاص داده اند.

بنابراین واضح است که توزیع یارانه بنزین به شدت ناعادلانه است و گروه های پردرآمدتر جامعه به شکل کاملاً نامعقول و ظالمانه ای آن را به یغما می برند. متأسفانه هزینه اجتماعی مصرف بی رویه بنزین فقط به توزیع ناعادلانه یارانه آن محدود نمی شود زیرا در اثر مصرف بی رویه بنزین و آلودگی بیش از اندازه محیط، هزینه های اجتماعی سنگین دیگری نیز به بار می آید که بار آن را بیشتر افراد کم درآمدی به دوش

می‌کشند که در مناطق آلوده زندگی می‌کنند و بیشتر از افراد پردرآمد در معرض آلودگی هستند. تداوم این وضعیت به هیچ وجه در خور شأن نظام جمهوری اسلامی ایران که همواره رعایت عدالت در توزیع امکانات را مدنظر قرار داشته، نیست و باید هرچه سریع‌تر به شیوه‌ای پسندیده این بی‌عدالتی برطرف گردد.

### ج-۲- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه نفت مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۴ و جدول شماره ۴ توزیع نفت مصرف شده توسط خانوارهای نمونه را در سال ۱۳۷۵ برحسب گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در جدول شماره ۴ نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل نفت مصرف شده توسط خانوارهای شهری و روستایی کشور ۴/۴ درصد آن را کم‌درآمدترین افراد و ۱۳/۸ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه مصرف کرده‌اند. به عبارت دیگر مصرف نفت افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۳/۱ برابر مصرف افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی قرار دارند. ارقام مندرج در جدول شماره ۴ همچنین نشان می‌دهند که سه گروه بالای درآمدی ۳۸/۶ درصد و سه گروه پایین درآمدی ۱۹/۸ درصد از مصرف نفت کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

از مقایسه توزیع مصرف نفت با توزیع مصرف بنزین در میان گروه‌های مختلف درآمدی مشخص می‌شود که توزیع مصرف نفت بسیار عادلانه‌تر از توزیع مصرف بنزین است و بنابراین یارانه پرداخت شده برای نفت نیز توزیعی بهتر از توزیع یارانه برای بنزین دارد. البته باید توجه داشت که توزیع یارانه نفت نیز کاملاً عادلانه نیست و در این مورد نیز افراد پردرآمد از یارانه بیشتری برخوردار می‌شوند.

### ج-۳- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه آب مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۵ و جدول شماره ۵ توزیع هزینه آب را برای خانوارهای نمونه در سال ۱۳۷۵ برحسب گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در جدول شماره ۵ نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل هزینه آب مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور ۱/۹ درصد آن را کم‌درآمدترین افراد و ۲۴/۹ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند. به عبارت دیگر هزینه آب برای افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۱۳/۱ برابر هزینه آب برای افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی قرار دارند. ارقام مندرج در جدول شماره ۵ همچنین نشان می‌دهند که سه گروه بالای درآمدی ۵۴/۶ درصد و سه گروه پایین درآمدی ۱۰/۵ درصد از هزینه آب مصرفی خانوارهای شهری و روستایی را به خود اختصاص داده‌اند. در دو بخش قبل هنگام بررسی توزیع مصرف بنزین و نفت از توزیع هزینه خانوارها برای نفت و بنزین به عنوان توزیع مصرف یاد شد زیرا قیمت بنزین و نفت برای تمام سطوح مصرف یکسان است. در مورد آب نظر به این که قیمت آن همراه با افزایش مصرف به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد توزیع هزینه دقیقاً با توزیع مصرف یکسان نیست، اما به هر حال توزیع نامتعادل هزینه و سهم بالاتر گروه‌های پردرآمد نشان می‌دهد که این خانوارها از آب بیشتر استفاده کرده‌اند و چون قیمت آب برای سطوح بالای مصرف نیز مشمول یارانه پنهان دولت است بنابراین باز هم افرادی که دارای درآمد بالاتری هستند از یارانه آب بیشتر بهره می‌برند. شایان ذکر است که در مقایسه با بنزین، توزیع یارانه آب متعادل‌تر است، زیرا هم هزینه آن در گروه‌های مختلف درآمدی از توزیع متعادل‌تری برخوردار است و هم قیمت آن برای سطوح بالاتر مصرف افزایش می‌یابد.

### ج-۴- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه برق مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۶ و جدول شماره ۶ توزیع هزینه برق را برای خانوارهای نمونه در سال ۱۳۷۵ برحسب

گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در جدول شماره ۶ نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل هزینه برق مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور ۲/۵ درصد آن را کم درآمدترین افراد و ۲۶/۵ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند. به عبارت دیگر هزینه برق برای افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۱۰/۶ برابر هزینه برق برای افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی قرار دارند. ارقام مندرج در جدول شماره ۶ همچنین نشان می‌دهند که سه گروه بالای درآمدی ۵۵/۹ درصد و سه گروه پایین درآمدی ۱/۸ درصد از هزینه برق مصرفی خانوارهای شهری و روستایی را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد برق (مانند آب) نظر به این که قیمت آن همراه با افزایش مصرف به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد، توزیع هزینه دقیقاً با توزیع مصرف یکسان نیست. اما همان‌طور که در تحلیل مصرف آب گفته شد به هر حال توزیع نامتعادل هزینه و سهم بالاتر گروه‌های پردرآمد نشان می‌دهد که این خانوارها از برق بیشتر استفاده کرده‌اند و چون قیمت برق برای سطوح بالای مصرف نیز مشمول یارانه پنهان دولت است بنابراین باز هم افرادی که دارای درآمد بالاتری هستند از یارانه برق بیشتر بهره می‌برند. شایان ذکر است که در مقایسه با بنزین، توزیع یارانه برق متعادل‌تر است، زیرا هم هزینه آن در گروه‌های مختلف درآمدی از توزیع متعادل‌تری برخوردار است و هم قیمت آن برای سطوح بالاتر افزایش می‌یابد.

#### ج-۵- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه گاز مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۷ و جدول شماره ۷ توزیع هزینه گاز را برای خانوارهای نمونه در سال ۱۳۷۵ برحسب گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در جدول شماره ۷ نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل هزینه گاز مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور ۲/۷ درصد آن را کم درآمدترین افراد و ۲۴/۴ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند. به عبارت دیگر هزینه گاز برای افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۹ برابر هزینه گاز برای افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی قرار دارند. ارقام مندرج در جدول شماره ۷ همچنین نشان می‌دهند که سه گروه بالای درآمدی ۵۳/۲ درصد و سه گروه پایین درآمدی ۱۲/۲ درصد از هزینه گاز مصرفی خانوارهای شهری و روستایی را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد گاز (مانند آب و برق) نظر به این که قیمت آن همراه با افزایش مصرف به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد توزیع هزینه دقیقاً با توزیع مصرف یکسان نیست، اما همان‌طور که در تحلیل مصرف آب و برق گفته شد به هر حال توزیع نامتعادل هزینه و سهم بالاتر گروه‌های پردرآمد نشان می‌دهد که این خانوارها از گاز بیشتر استفاده کرده‌اند و چون قیمت گاز برای سطوح بالای مصرف نیز مشمول یارانه پنهان دولت است. بنابراین باز هم افرادی که دارای درآمد بالاتری هستند از یارانه گاز بیشتر بهره می‌برند. شایان ذکر است که در مقایسه با بنزین، توزیع یارانه گاز متعادل‌تر است، زیرا هم هزینه آن در گروه‌های مختلف درآمدی از توزیع متعادل‌تری برخوردار است و هم قیمت آن برای سطوح بالاتر افزایش می‌یابد.

#### ج-۶- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه برنج مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۸ و جدول شماره ۸ توزیع هزینه برنج را برای خانوارهای نمونه در سال ۱۳۷۵ برحسب گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در جدول شماره ۸ نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل هزینه برنج مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور ۳/۴ درصد آن را کم درآمدترین افراد و ۱۸/۲ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند. به عبارت دیگر، هزینه برنج برای افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۵/۳ برابر هزینه برنج برای افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی

قرار دارند. ارقام مندرج در جدول شماره ۸ همچنین نشان می‌دهند که سه گروه بالای درآمدی ۴۶ درصد و سه گروه پایین درآمدی ۱۵/۲ درصد از هزینه برنج مصرفی خانوارهای شهری و روستایی را به خود اختصاص داده‌اند. از بررسی توزیع هزینه برنج مصرفی خانوار نمی‌توان در مورد توزیع یارانه آن به سادگی قضاوت کرد. زیرا دولت اگرچه از طریق توزیع برنج وارداتی باکوپن در بازار این کالا دخالت کند و این مسئله یقیناً بر قیمت بازار انواع برنج غیرکوپنی و در نتیجه بر رفتار مصرفی خانوار اثر می‌گذارد، اما با توجه به این که اولاً، یارانه برنج از طریق کوپن توزیع می‌شود و همه به یک اندازه کوپن دریافت می‌کند و ثانیاً، برنج کالایی است که مصرف آن با افزایش درآمد بالا می‌رود و افراد پردرآمد معمولاً از برنج مرغوب‌تر و گران‌تر استفاده می‌کنند و بخش قابل توجهی از برنج مصرفی خانوار از بازار آزاد و از محل تولیدات داخلی تأمین می‌شود، توزیع هزینه برنج در گروه‌های مختلف درآمدی منعکس کننده توزیع یارانه دولت برای برنج نیست. البته اگر دولت برای توزیع برنج کوپنی بین شهر و روستا یا بین تهران و دیگر شهرهای کشور تبعیض بگذارد یا برنج وارداتی با ارز دولتی را بدون کوپن توزیع نماید آن‌گاه توزیع نامتعادل برنج بیانگر توزیع نامتعادل یارانه آن خواهد بود و بدون شک در این مورد نیز گروه‌های درآمدی بالاتر از یارانه‌ها بیشتر بهره‌مند خواهند شد.

#### ج-۷- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه نان مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۹ و جدول شماره ۹ توزیع هزینه نان را برای خانوارهای نمونه در سال ۱۳۷۵ برحسب گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در جدول شماره ۹ نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل هزینه نان مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور ۶/۲ درصد آن را کم‌درآمدترین افراد و ۱۲/۵ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند. به عبارت دیگر هزینه نان برای افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۲ برابر هزینه نان برای افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی قرار دارند. ارقام مندرج در جدول شماره ۹ همچنین نشان می‌دهند که سه گروه بالای درآمدی ۳۵/۶ درصد و سه گروه پایین درآمدی ۲۳/۱ درصد از هزینه نان مصرفی خانوارهای شهری و روستایی را به خود اختصاص داده‌اند.

نظر به این که دولت یارانه بسیار هنگفتی برای تولید نان به قیمت ارزان پرداخت می‌کند و تقریباً ۱۰۰ درصد نان مصرفی مردم را دولت تأمین می‌نماید، توزیع نامتعادل هزینه نان میان گروه‌های مختلف درآمدی بیانگر توزیع نامتعادل یارانه پرداخت شده بین افراد جامعه و بهره‌مندی بیشتر گروه‌های پردرآمد از این یارانه است. نکته مهمی که در مورد نان وجود دارد این است که علی‌القاعده باید با افزایش درآمد مصرف نان کاهش یابد. اما ارقام جدول شماره ۹ نشان می‌دهند که با افزایش درآمد میزان هزینه نان بالاتر رفته است. اگرچه ممکن است که این مسئله مربوط به استفاده افراد پردرآمد از نان مرغوب‌تر و گران‌تر باشد اما با توجه به این که در مجموع انواع نان تولید شده در کشور از نظر کیفی و از جهت قیمت تفاوت زیادی ندارند، هزینه بالاتر نان در گروه‌های پردرآمدتر می‌تواند ناشی از ضایعات بیشتر نان در میان گروه‌های پردرآمد باشد. معمولاً افراد کم‌درآمد نان خریداری شده را بلافاصله پس از خرید مصرف می‌کنند. این گروه از افراد هنگام مراجعه به نانوائی معمولاً برای یک وعده غذایی یا یک روز نان خریداری می‌کنند. در این شرایط معمولاً بخش بیشتری از نان مصرف شده و ضایعات آن تقلیل می‌یابد. اما افراد پردرآمد معمولاً نان را برای چند وعده یا چند روز خریداری کرده و آن را در یخچال یا فریزر می‌گذارند. در این شرایط به دلیل کیفیت پایین

نان مقدار زیادی از نان ضایع شده و مقدار کمتری از آن مصرف می‌شود. در واقع خانوارهای پردرآمد بخشی از نان را به دلیل هزینه فرصت بالاتر و به دلیل خوردن قسمت‌های مرغوب‌تر آن ضایع می‌کنند (خوردن بخش برشته نان و دور ریختن بقیه آن یعنی خوردن نان مرغوب‌تر با قیمت بالاتر). شایان ذکر است که تحلیل فوق براساس داده‌های آماری به دست آمده از بودجه خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۷۵ انجام گرفته است. بنابراین در مورد نان افراد پردرآمد در مقایسه با افراد کم درآمد هم از یارانه بیشتری برخوردار می‌شوند و هم نان بیشتری ضایع می‌کنند.

#### ج-۸- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه شیر مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۱۰ و جدول شماره ۱۰ توزیع هزینه شیر را برای خانوارهای نمونه در سال ۱۳۷۵ برحسب گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل هزینه شیر مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور  $2/7$  درصد آن را کم درآمدترین افراد و  $32/6$  درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند. به عبارت دیگر هزینه شیر برای افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۱۲ برابر هزینه شیر برای افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی قرار دارند. ارقام مندرج در جدول شماره ۱۰ همچنین نشان می‌دهند که سه گروه بالای درآمدی  $61/2$  درصد و سه گروه پایین درآمدی  $9/7$  درصد از هزینه شیر مصرفی خانوارهای شهری و روستایی را به خود اختصاص داده‌اند.

به طوری که نمودار شماره ۱۰ نشان می‌دهد با افزایش درآمد، هزینه‌های مصرفی خانوار برای شیر نیز افزایش می‌یابد. اگرچه بخشی از این افزایش مربوط به خرید شیر مرغوب‌تر و گران‌تر توسط افرادی است که در گروه‌های بالاتر درآمدی قرار دارند اما تفاوت بسیار زیاد بین سهم کم درآمدترین و پردرآمدترین افراد و تفاوت اندک میان قیمت انواع شیر نشان می‌دهد که افراد پردرآمد بیشتر از افراد کم درآمد شیر مصرف می‌کنند یا به عبارت دیگر شیر یک کالای لوکس است که دولت برای تولید آن یارانه پرداخت می‌کند و باز هم متأسفانه افراد پردرآمد از این یارانه نیز بیشتر بهره می‌برند.

#### ج-۹- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه گوشت مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۱۱ و جدول شماره ۱۱ توزیع هزینه گوشت را برای خانوارهای نمونه در سال ۱۳۷۵ برحسب گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل هزینه گوشت مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور  $2/9$  درصد آن را کم درآمدترین افراد و  $22/9$  درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند. به عبارت دیگر هزینه گوشت برای افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند  $7/9$  برابر هزینه گوشت برای افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی قرار دارند. ارقام مندرج در جدول شماره ۱۱ همچنین نشان می‌دهند که سه گروه بالای درآمدی  $51/6$  درصد و سه گروه پایین درآمدی  $13/3$  درصد از هزینه گوشت مصرفی خانوارهای شهری و روستایی را به خود اختصاص داده‌اند.

به طوری که نمودار شماره ۱۱ نشان می‌دهد با افزایش درآمد، هزینه‌های مصرفی خانوار برای گوشت نیز افزایش می‌یابد. نظر به این که گوشت مانند دیگر کالاها از یارانه مستقیم برخوردار نیست بنابراین سهم بیشتر گروه‌های پردرآمد از هزینه گوشت بیانگر استفاده بیشتر آنها از یارانه‌های مستقیم دولت نیست. اگرچه گوشت مانند دیگر کالاهایی که تاکنون از آن صحبت شد مورد حمایت مستقیم دولت نیست و

مردم بخش قابل توجهی از هزینه تولید این کالا را پرداخت می‌کنند اما باید توجه داشت که بخشی از نهاده‌های مورد استفاده در تولید گوشت نیز ممکن است با یارانه همراه باشد و در نتیجه گروه‌های پردرآمد که گوشت بیشتری مصرف می‌کنند به‌طور غیر مستقیم باز هم از یارانه‌های دولت بیشتر از افراد کم درآمد بهره‌مند شوند. شایان ذکر است که توزیع نامتعادل گوشت در میان گروه‌های مختلف درآمدی و استفاده بیشتر گروه‌های پردرآمد از آن نشان می‌دهد که دولت باید به‌طور اکید از واردات گوشت با ارز دولتی و توزیع ارزان قیمت آن اجتناب کند زیرا واردات ارزان گوشت از یک طرف به سود افراد پردرآمد است که آن را بیشتر مصرف می‌کنند و از طرف دیگر به زیان دامداران و شاغلان بخش کشاورزی است که از گروه‌های کم درآمد جامعه به حساب می‌آیند.

#### ج- ۱۰- سهم گروه‌های مختلف درآمدی در کل هزینه مرغ مصرف شده توسط خانوارها

نمودار شماره ۱۲ و جدول شماره ۱۲ توزیع هزینه مرغ را برای خانوارهای نمونه در سال ۱۳۷۵ برحسب گروه‌های مختلف درآمدی نشان می‌دهد. ارقام مندرج در جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهند که در سال ۱۳۷۵ از کل هزینه مرغ مربوط به خانوارهای شهری و روستایی کشور ۱/۶ درصد آن را کم درآمدترین افراد و ۱۷/۵ درصد آن را پردرآمدترین افراد جامعه پرداخت کرده‌اند. به عبارت دیگر هزینه مرغ برای افرادی که در بالاترین گروه درآمدی هستند ۱۱ برابر هزینه مرغ برای افرادی است که در پایین‌ترین گروه درآمدی قرار دارند. ارقام مندرج در جدول شماره ۱۲ همچنین نشان می‌دهند که سه گروه بالای درآمدی ۴۲ درصد و سه گروه پایین درآمدی ۸/۹ درصد از هزینه مرغ مصرفی خانوارهای شهری و روستایی را به خود اختصاص داده‌اند.

به‌طوری که نمودار شماره ۱۲ نشان می‌دهد با افزایش درآمد، هزینه‌های مصرفی خانوار برای مرغ نیز افزایش می‌یابد. نظر به این که مرغ هم مانند گوشت از یارانه مستقیم زیادی برخوردار نیست بنابراین سهم بیشتر گروه‌های پردرآمد از هزینه مصرف مرغ بیانگر استفاده بیشتر آنها از یارانه‌های مستقیم دولت نیست. البته مرغ هم مانند گوشت مورد حمایت مستقیم دولت نیست و مردم بخش قابل توجهی از هزینه تولید این کالا را پرداخت می‌کنند اما باید توجه داشت که بخشی از نهاده‌های مورد استفاده در تولید مرغ نیز ممکن است با یارانه همراه باشد و در نتیجه گروه‌های پردرآمد که مرغ بیشتری مصرف می‌کنند به‌طور غیرمستقیم باز هم از یارانه‌های دولت بیشتر از افراد کم درآمد بهره‌مند شوند. شایان ذکر است همانند آنچه که در مورد گوشت گفته شد، توزیع نامتعادل مرغ در میان گروه‌های مختلف درآمدی و استفاده بیشتر گروه‌های پردرآمد از آن نشان می‌دهد که دولت باید به‌طور اکید از واردات مرغ با ارز دولتی و توزیع ارزان قیمت آن اجتناب کند زیرا واردات ارزان مرغ از یک طرف به سود افراد پردرآمد است که آن را بیشتر مصرف می‌کنند و از طرف دیگر به زیان تولیدکنندگان مرغ در داخل کشور است.

#### د- محاسبه ضریب جینی برای اقلام مورد بررسی

در جدول شماره ۱۳ ضریب جینی برای هر یک از اقلام مورد بررسی درج شده است. به‌طوری که اقلام مندرج در این جدول نشان می‌دهند، ضریب جینی برای بنزین از ضریب جینی برای دیگر اقلام مورد بررسی بالاتر است. ضریب جینی برای بنزین در سال ۱۳۷۵ برابر ۰/۵۲ بوده که نشان دهنده توزیع بسیار ناعادلانه آن است.

جدول ۱- تعداد خانوارهای واقع در هر دهک درآمدی  
در سال ۱۳۷۵

دهک	تعداد خانوار	تعداد جمعیت
۱	۱۸۱۰	۱۱۳۰۰
۲	۱۸۶۱	۱۱۳۰۰
۳	۱۹۲۷	۱۱۳۰۰
۴	۱۹۶۷	۱۱۳۰۰
۵	۲۰۶۴	۱۱۳۰۰
۶	۲۱۲۹	۱۱۳۰۰
۷	۲۲۵۴	۱۱۳۰۰
۸	۲۳۲۴	۱۱۳۰۰
۹	۲۵۴۸	۱۱۳۰۰
۱۰	۲۹۷۸	۱۱۳۰۰

جدول ۲- سهم ساکنان مناطق شهری  
در جمعیت هر دهک در سال ۱۳۷۵

دهک	درصد شهری ها
۱	۱۰/۳
۲	۲۰/۵
۳	۲۸/۳
۴	۳۸/۷
۵	۴۳/۶
۶	۵۲/۱
۷	۵۹/۱
۸	۶۵/۳
۹	۷۰/۷
۱۰	۸۰/۷

جدول ۳- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه بتزین مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	بتزین
۱	۱/۳
۲	۲/۱
۳	۳/۲
۴	۳/۹
۵	۴/۷
۶	۶/۴
۷	۸/۲
۸	۱۰/۳
۹	۱۸/۰
۱۰	۴۱/۸

جدول ۴- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه نفت مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	نفت
۱	۴/۴
۲	۶/۷
۳	۸/۷
۴	۸/۶
۵	۱۰/۱
۶	۱۱/۳
۷	۱۱/۶
۸	۱۲/۱
۹	۱۲/۷
۱۰	۱۳/۸

جدول ۵- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه آب مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	آب
۱	۱/۹
۲	۳/۸
۳	۴/۸
۴	۶/۱
۵	۷/۰
۶	۹/۵
۷	۱۲/۱
۸	۱۳/۷
۹	۱۶/۵
۱۰	۲۴/۹

جدول ۶- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه برق مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	برق
۱	۲/۵
۲	۴/۱
۳	۵/۲
۴	۶/۴
۵	۷/۰
۶	۸/۹
۷	۹/۹
۸	۱۳/۵
۹	۱۵/۹
۱۰	۲۶/۵

جدول ۷- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه گاز مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	گاز
۱	۲/۷
۲	۴/۴
۳	۵/۱
۴	۶/۴
۵	۶/۹
۶	۹/۵
۷	۱۱/۸
۸	۱۲/۷
۹	۱۶/۱
۱۰	۲۴/۴

جدول ۸- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه برنج مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	برنج
۱	۳/۴
۲	۵/۱
۳	۶/۷
۴	۸/۴
۵	۹/۳
۶	۹/۲
۷	۱۱/۸
۸	۱۲/۸
۹	۱۵/۰
۱۰	۱۸/۲

جدول ۹- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه نان مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	نان
۱	۶/۲
۲	۸/۴
۳	۸/۵
۴	۹/۹
۵	۹/۷
۶	۱۰/۶
۷	۱۱/۰
۸	۱۱/۳
۹	۱۱/۸
۱۰	۱۲/۵

جدول ۱۰- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه شیر مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	شیر
۱	۲/۷
۲	۳/۵
۳	۳/۵
۴	۵/۹
۵	۵/۹
۶	۷/۳
۷	۱۰/۰
۸	۱۳/۲
۹	۱۵/۴
۱۰	۳۲/۶

جدول ۱۱- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه گوشت مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	گوشت
۱	۲/۹
۲	۴/۵
۳	۵/۹
۴	۶/۷
۵	۷/۹
۶	۹/۳
۷	۱۱/۲
۸	۱۲/۷
۹	۱۶/۰
۱۰	۲۲/۹

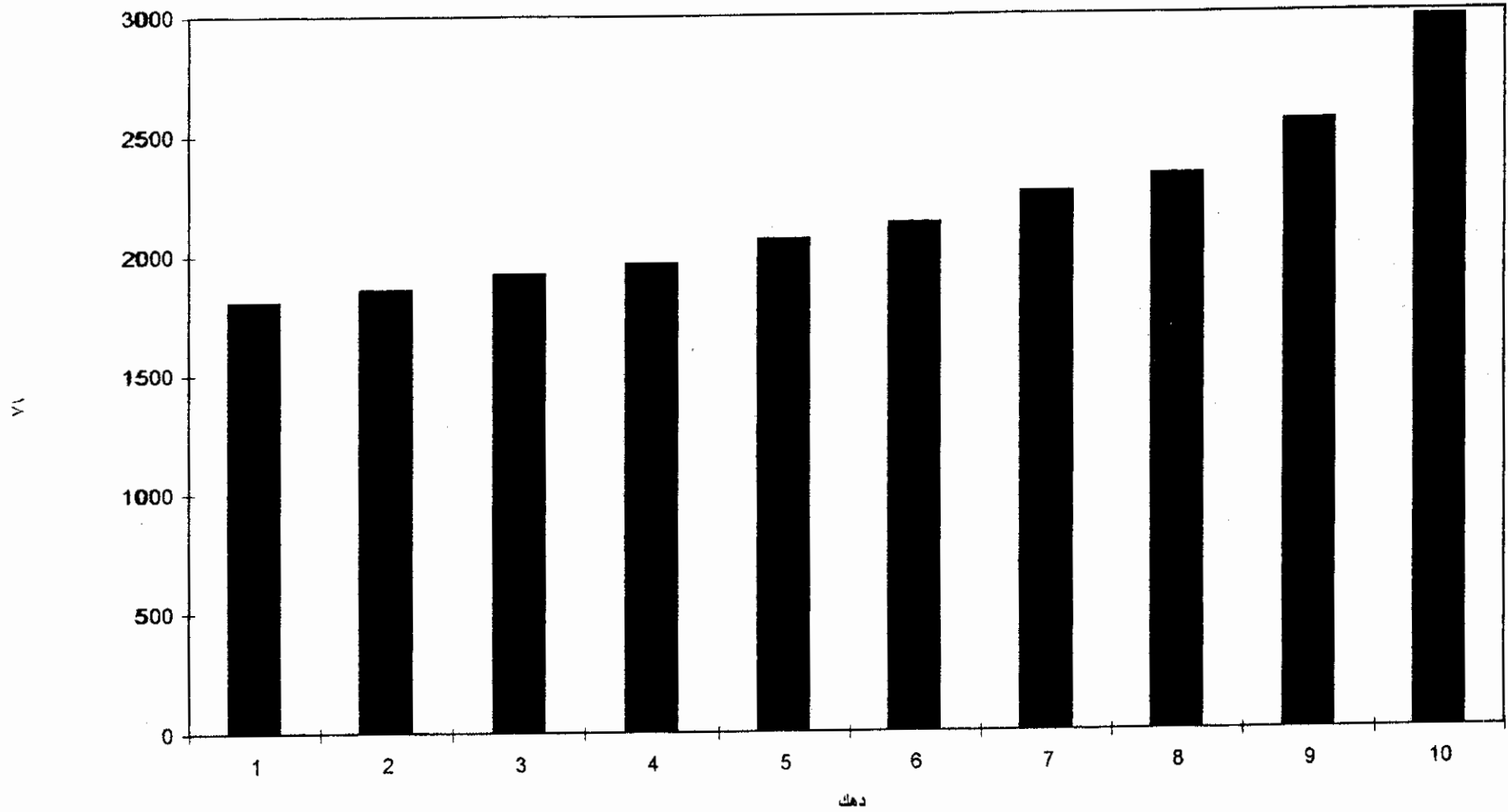
جدول ۱۲- سهم گروه‌های مختلف  
درآمدی در کل هزینه مرغ مصرف شده  
توسط خانوارها در سال ۱۳۷۵

دهک	مرغ
۱	۱/۶
۲	۳/۰
۳	۴/۳
۴	۵/۵
۵	۷/۲
۶	۸/۵
۷	۱۰/۸
۸	۱۳/۶
۹	۱۷/۵
۱۰	۲۸/۰

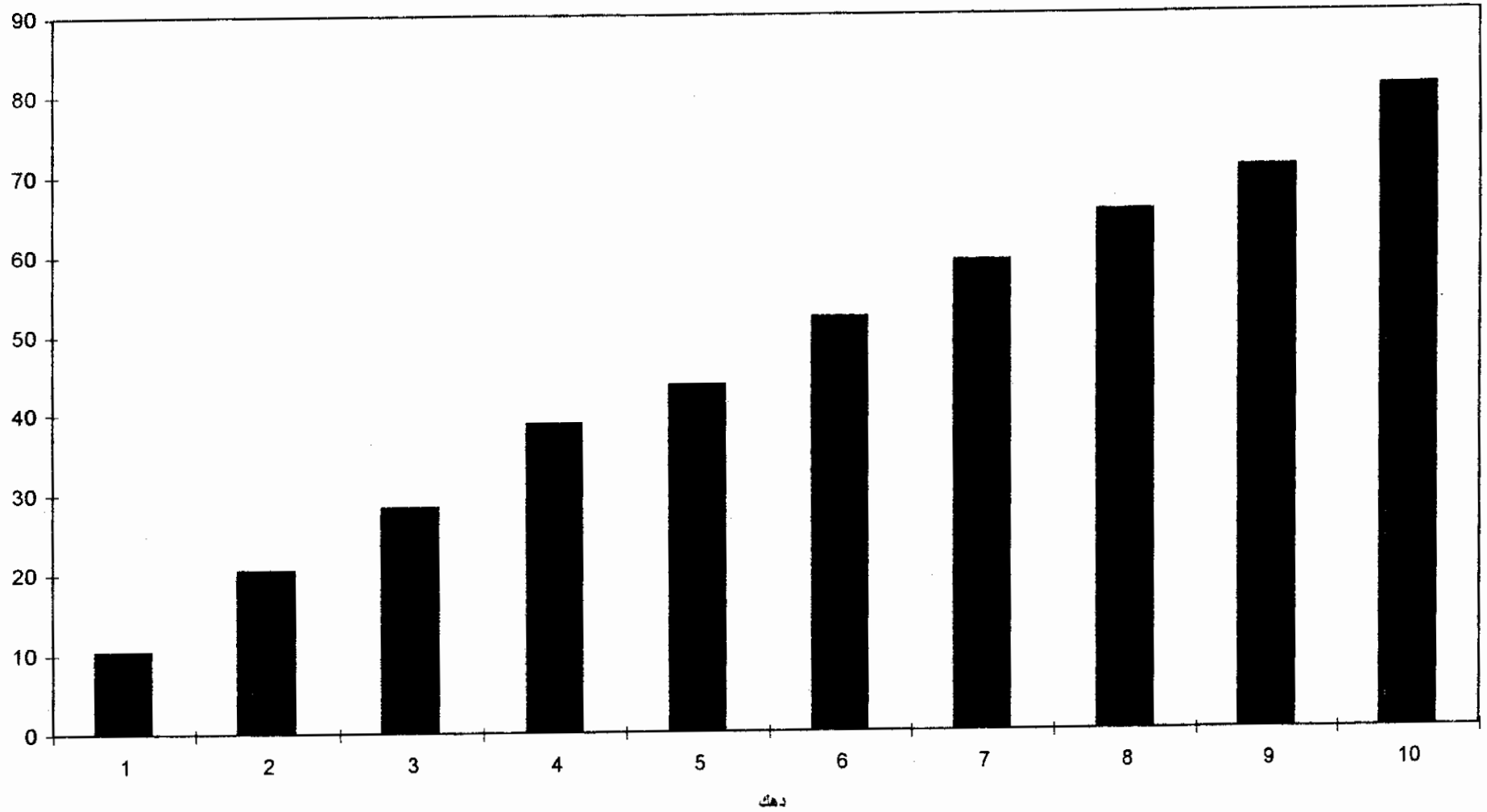
جدول ۱۳- محاسبه ضریب جینی برای  
اقلام مورد بررسی

کالا	ضریب جینی
بنزین	۰/۵۲
نان	۰/۱
شیر	۰/۴۱
آب	۰/۳۹
برق	۰/۳۵
گاز	۰/۳۳
نفت	۰/۱۵
مرغ	۰/۴
گوشت	۰/۳۱
برنج	۰/۲۴

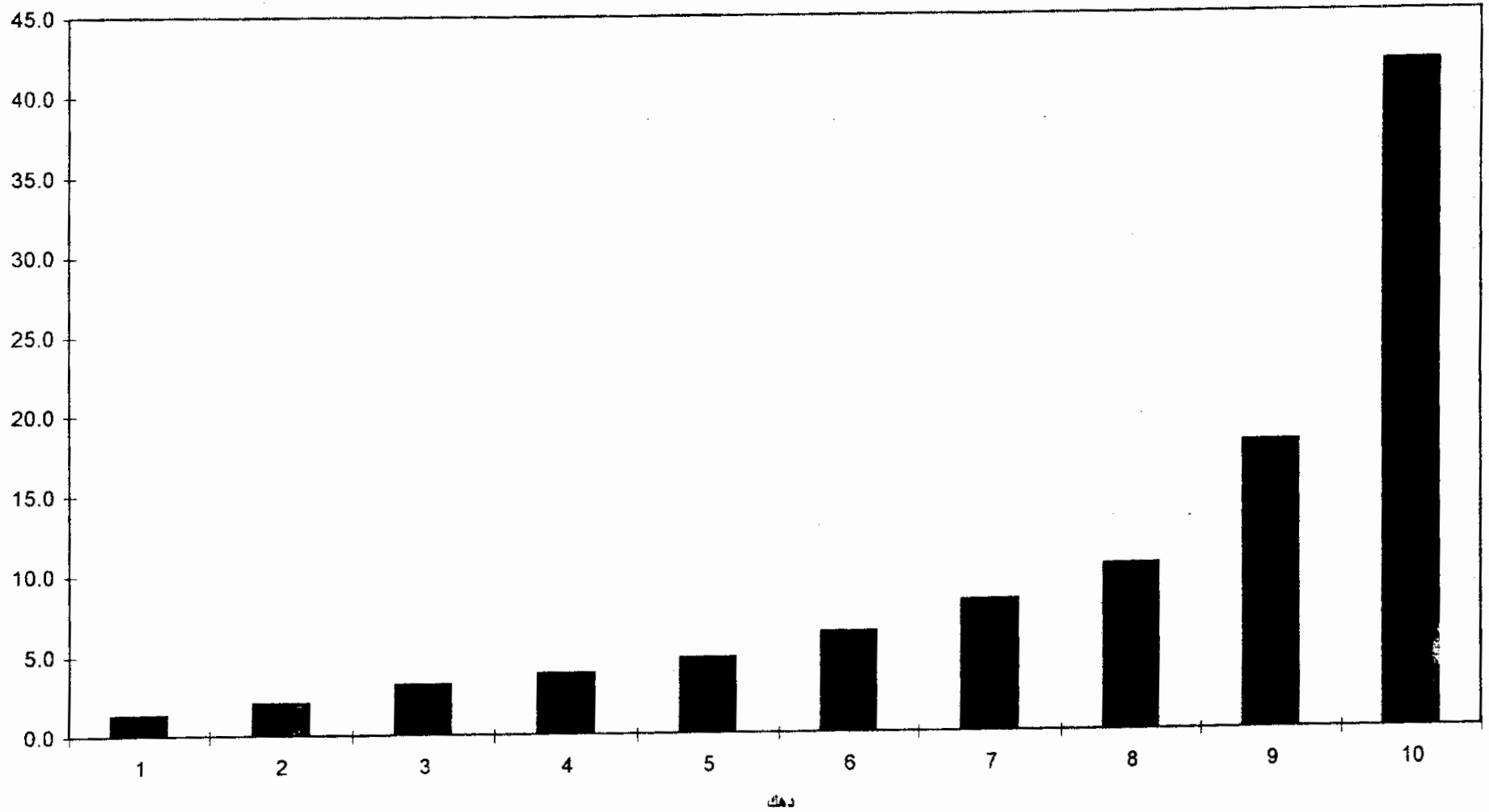
نمودار ۱- تعداد خانوار هر دهک



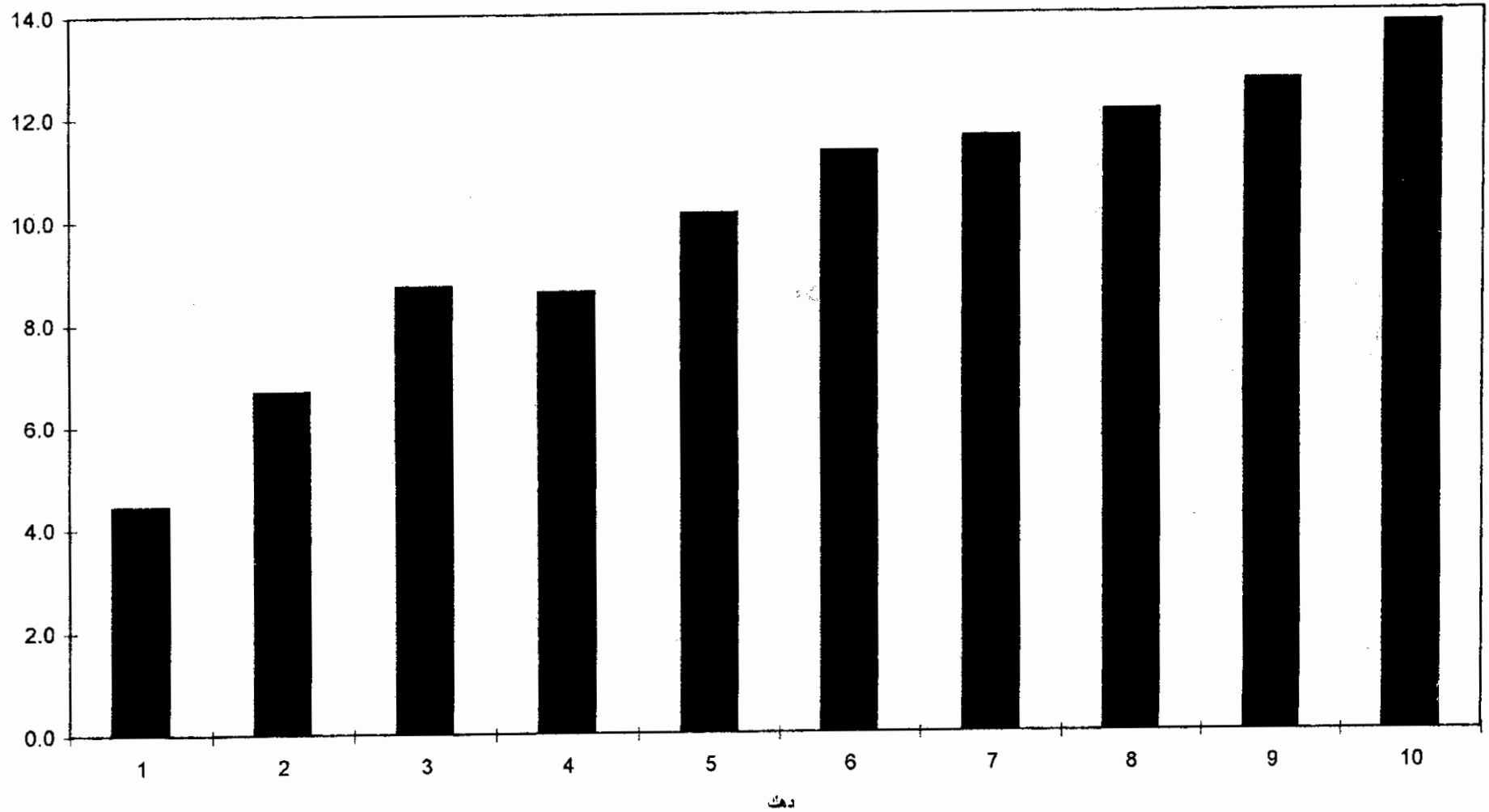
نمودار ۲- سهم جمعیت شهری در هر دهک



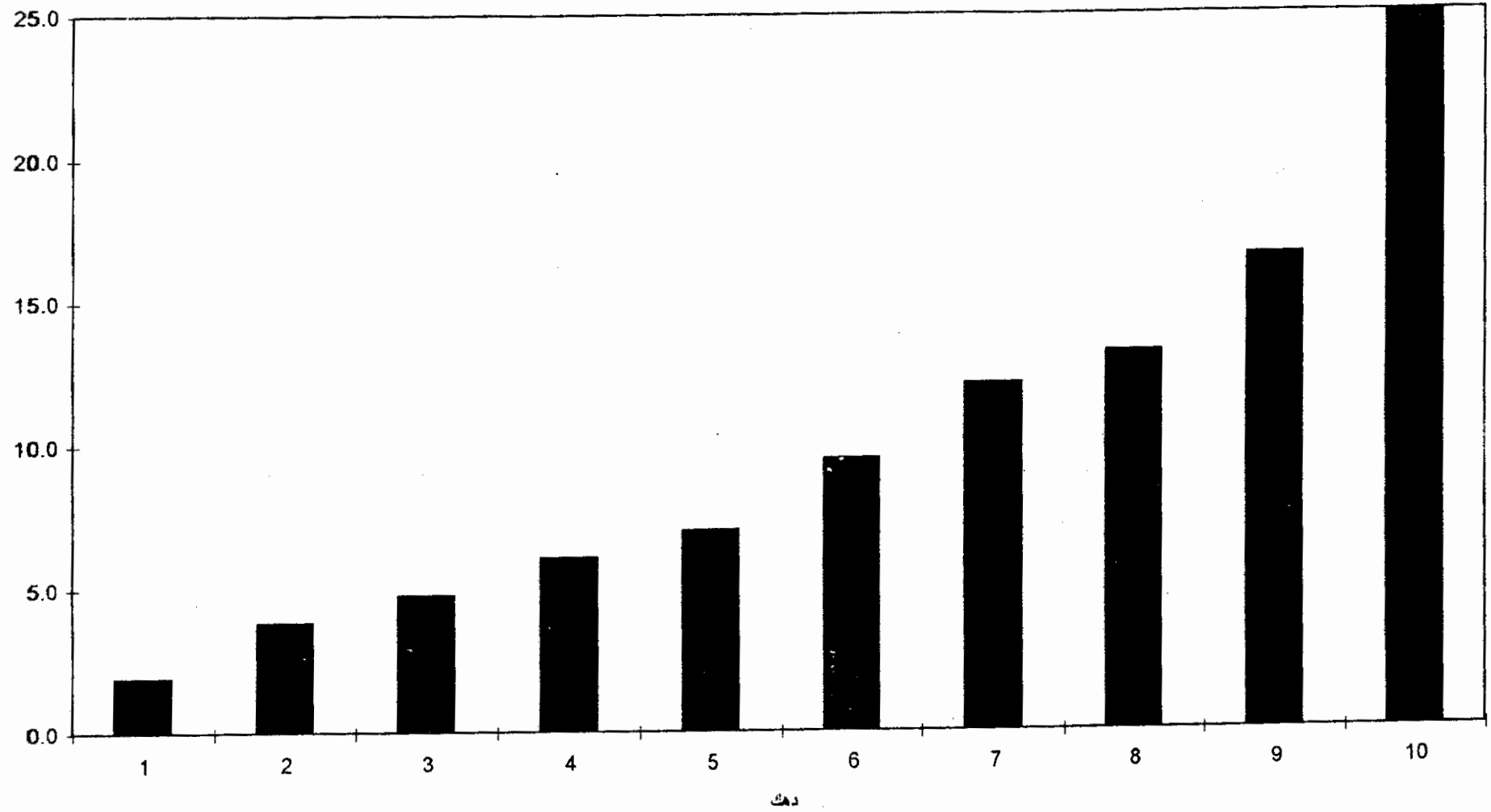
نمودار ۳- سهم معرفی دهک‌ها از کل مصرف بنزین خانوار



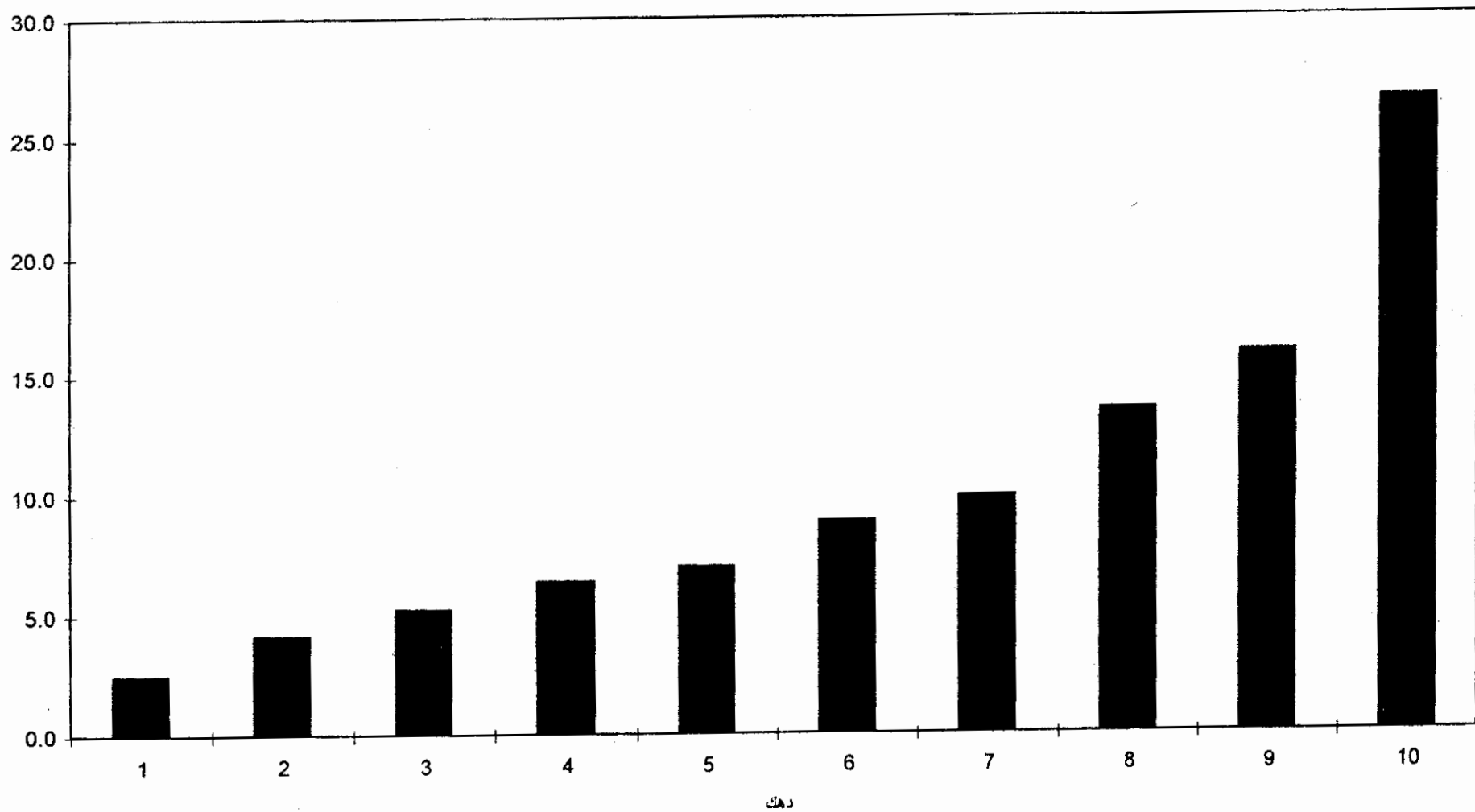
نمودار ۴- سهم هزینه نفت هر دهک نسبت به کل مصرف بنزین خانوار



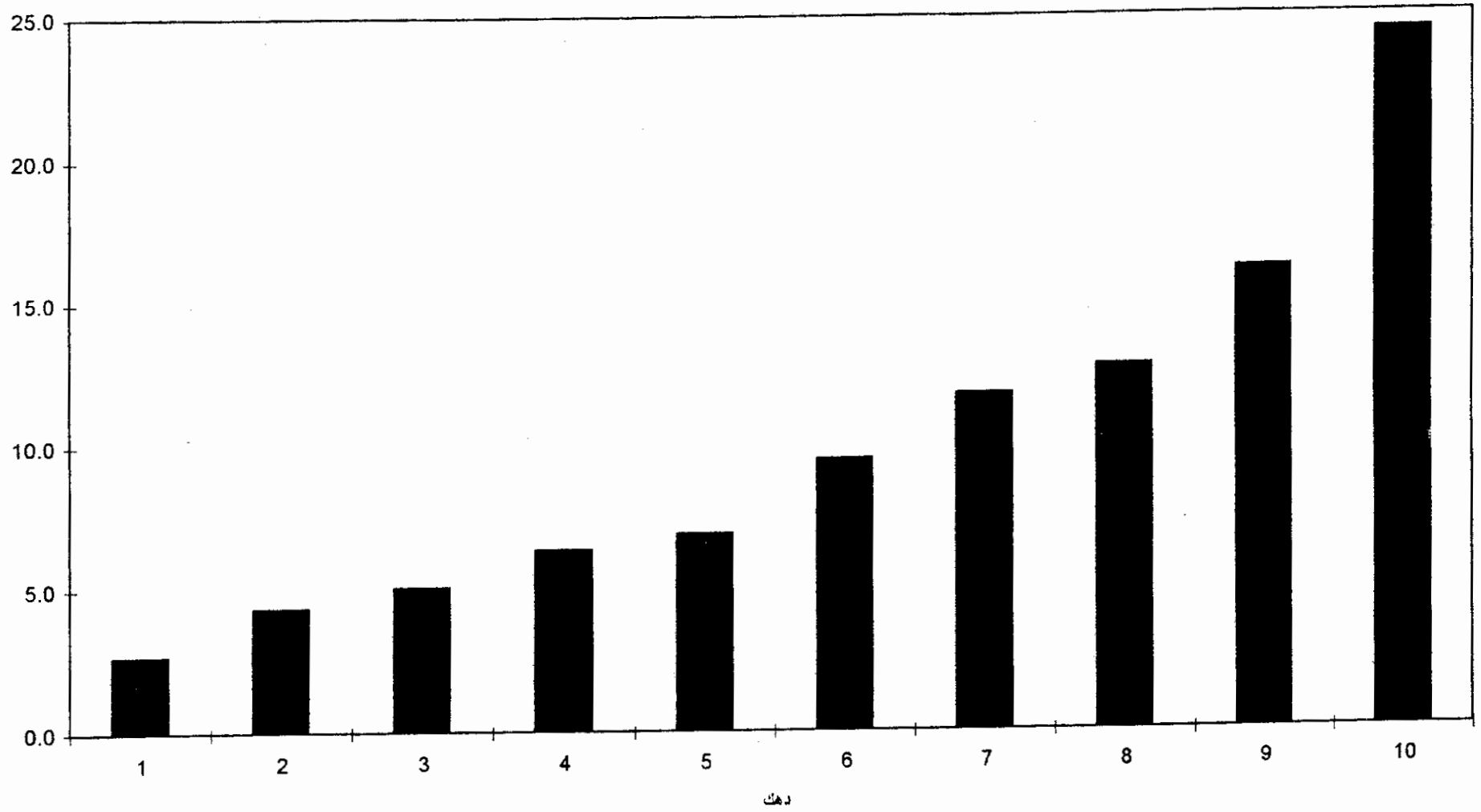
نمودار ۵- سهم هزینه آب هر دهک نسبت به کل هزینه آب خانوار



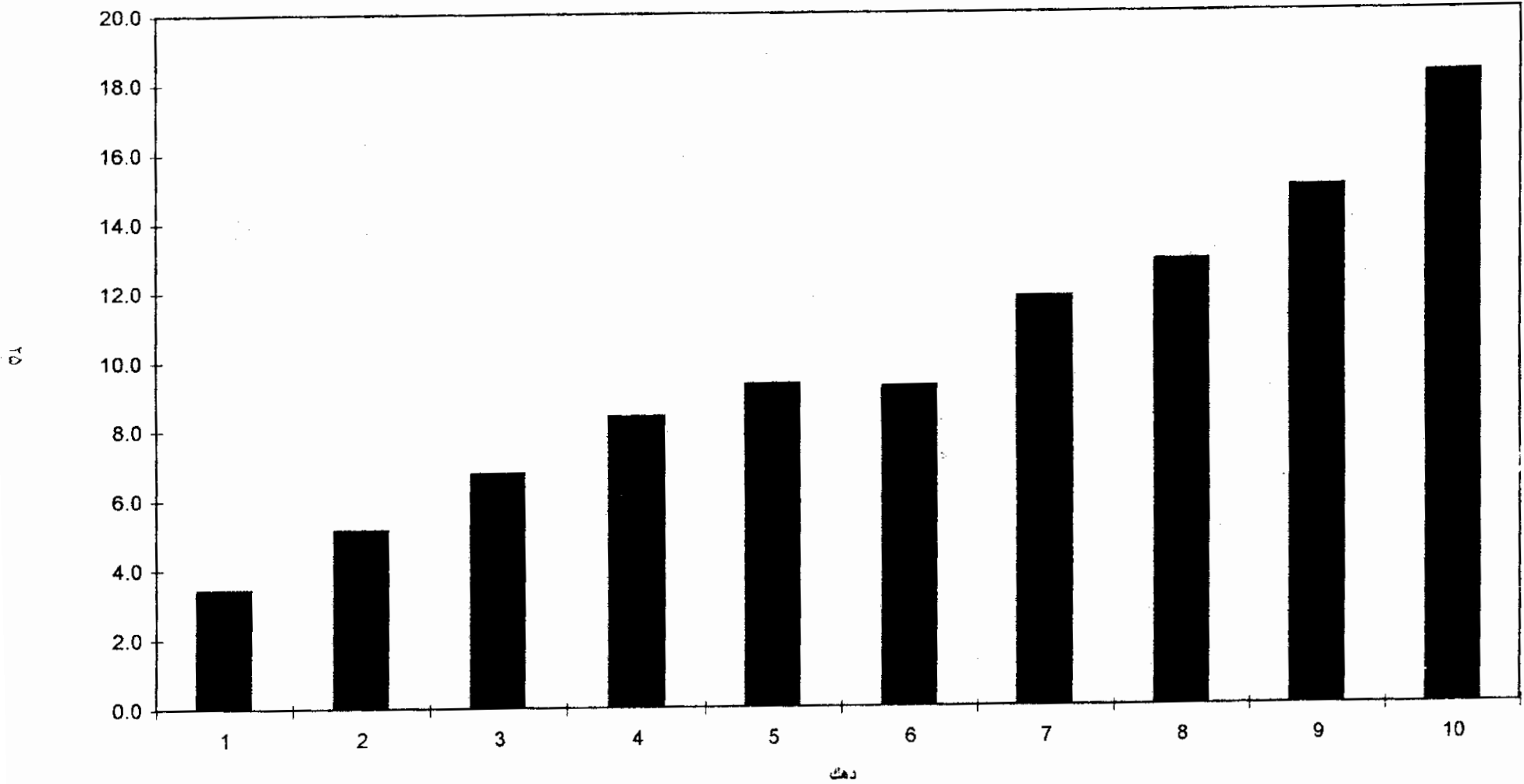
نمودار ۶- سهم هزینه برق هر دهک نسبت به کل هزینه برق خانوار



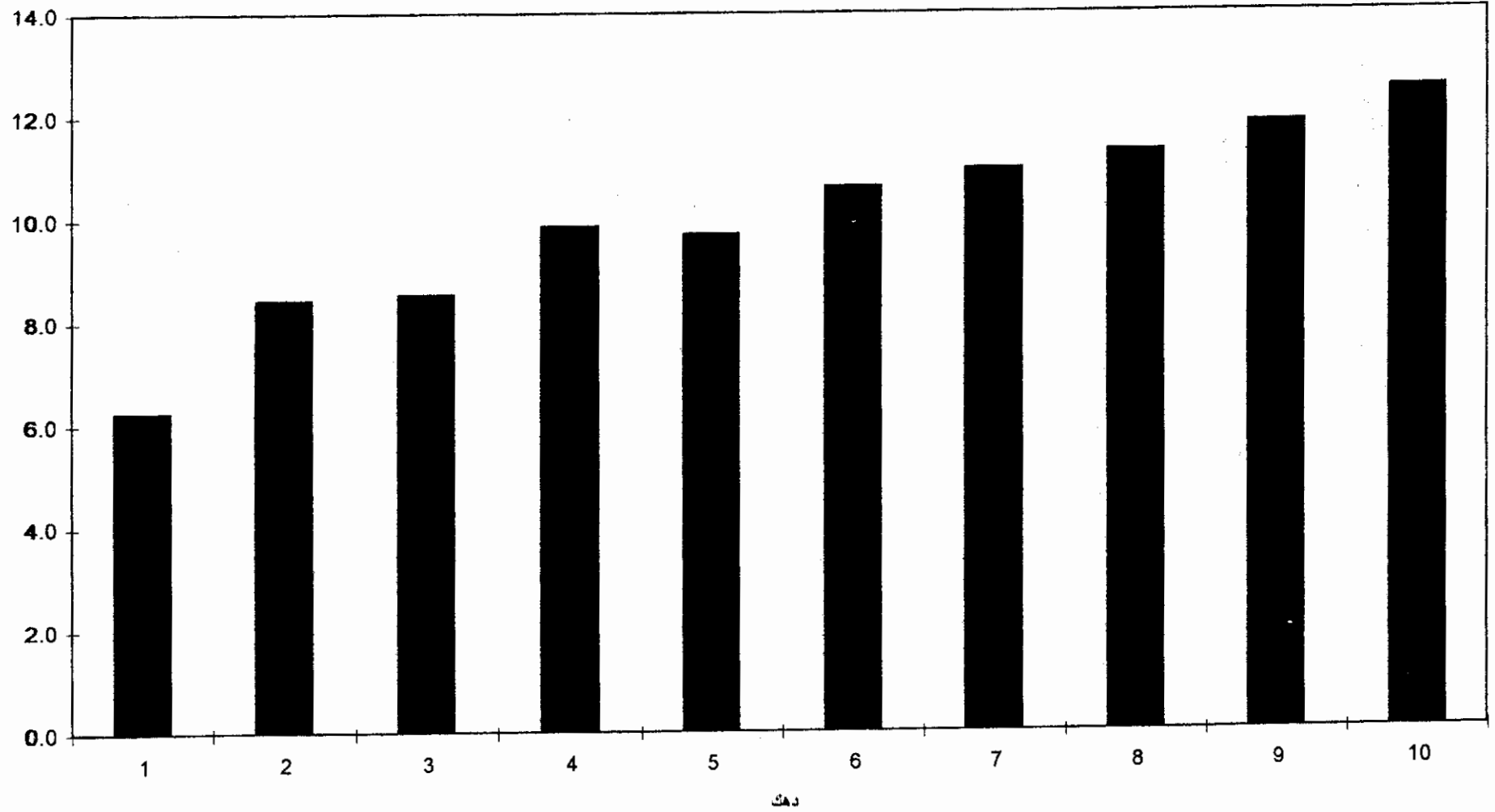
نمودار ۷- سهم هزینه گاز هر دهک نسبت به کل هزینه گاز خانوار



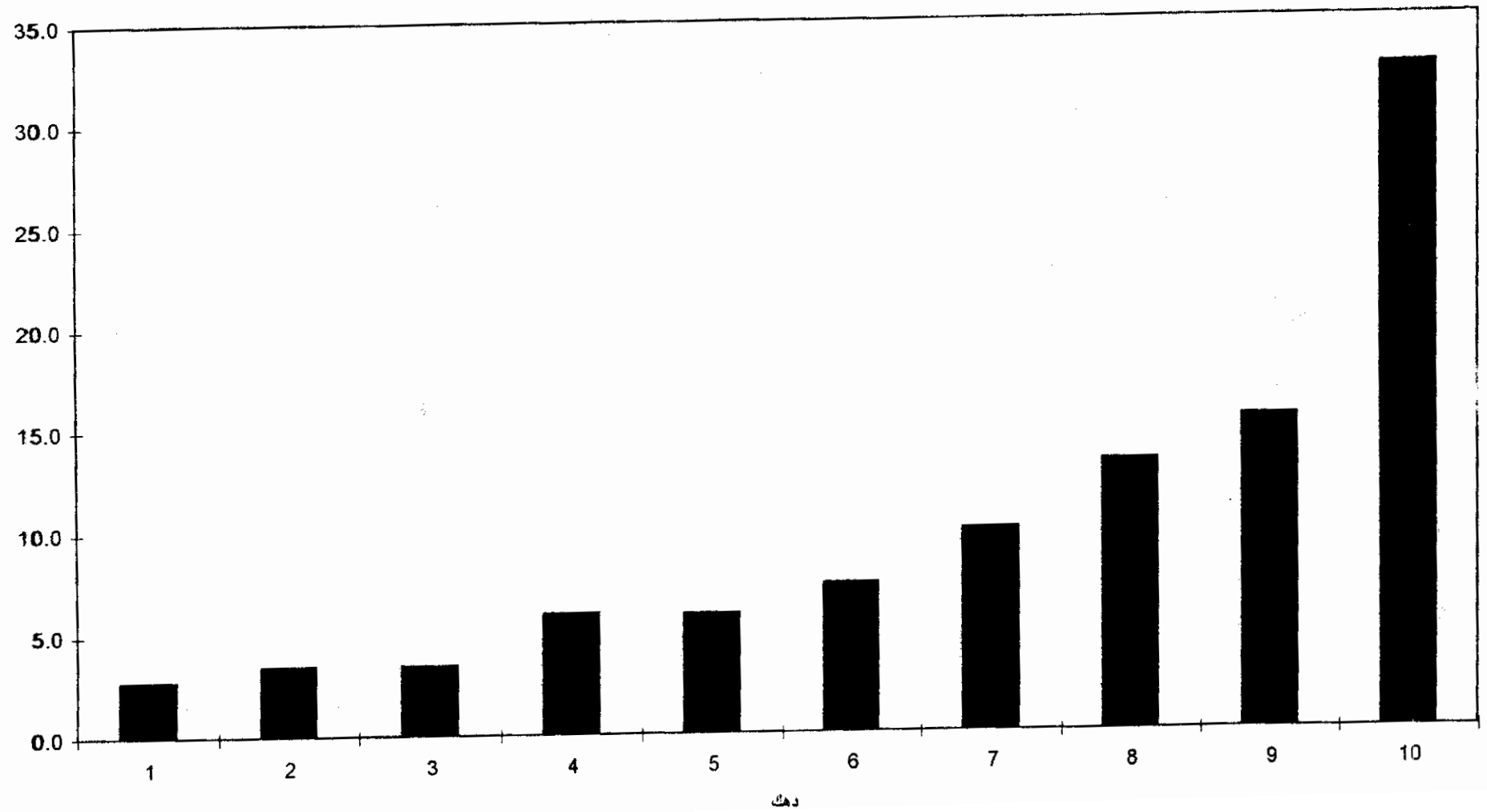
نمودار ۸- سهم هزینه برنج هر دهک نسبت به کل هزینه برنج خانوار



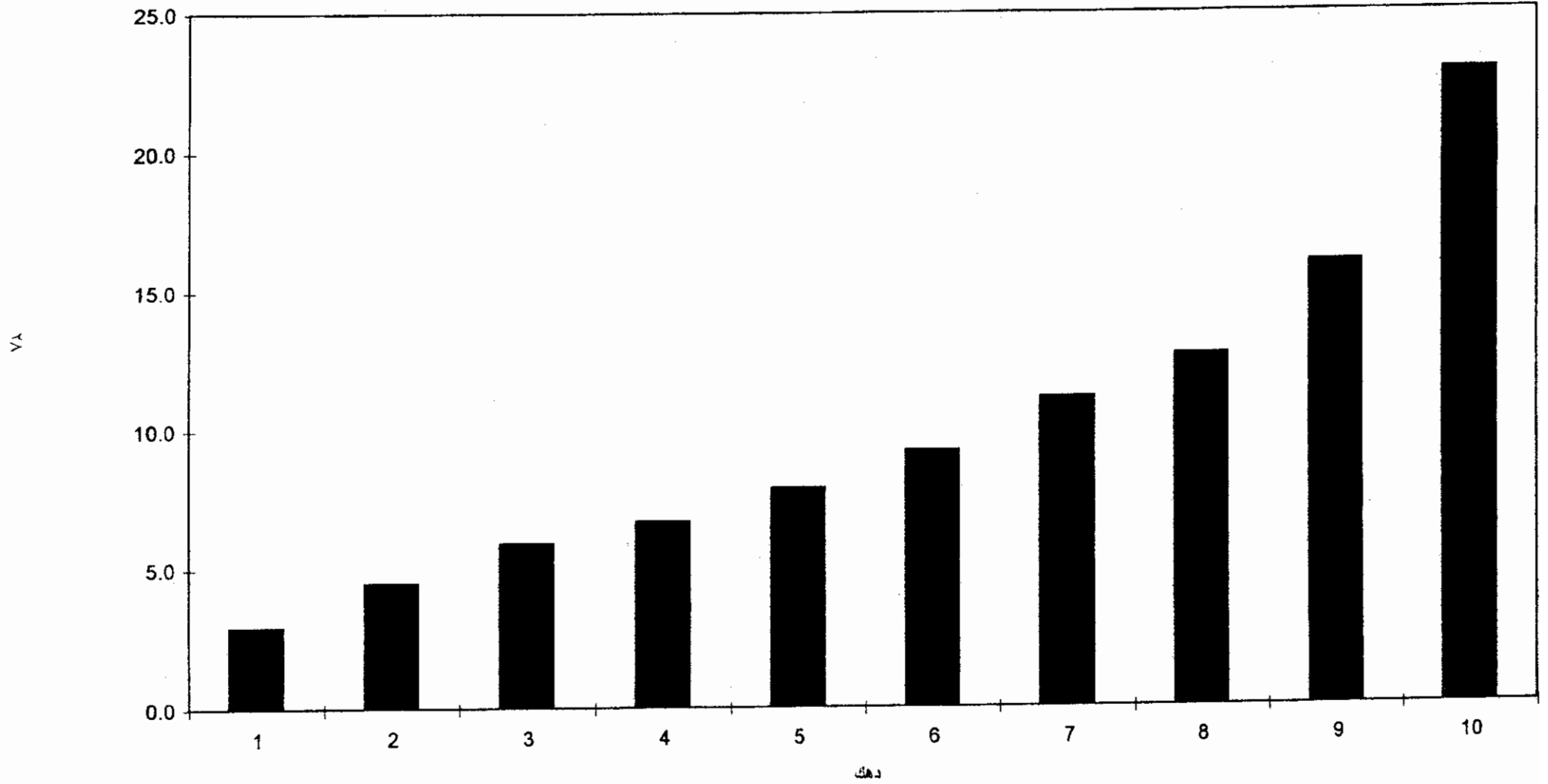
نمودار ۹- سهم هزینه نان هر دهک نسبت به کل هزینه نان خانوار



نمودار ۱۰- سهم هزینه شیر هر دهک نسبت به کل هزینه شیر خانوار



نمودار ۱۱- سهم هزینه گوشت هر دهک نسبت به کل هزینه گوشت خانوار



نمودار ۱۲- سهم هزینه مرغ هر دهک نسبت به کل هزینه مرغ خانوار

